فصلنامه حسابداری مالی/سال سیزدهم/ شماره ۵۱/پاییز ۱۴۰۰/صفحات ۱۲۶- ۹۵

بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، ثبات مالی و ظرفیت مالی بانک‌ها

زهرا اوریایی *
سامان محمدی **
فرزاد ایوانی ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

چکیده

صنعت بانکداری نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می‌کند. بانک‌ها به وظیفه اصلی خود در جمع‌آوری و پرداخت وجوه عمومی عمل می‌کنند که هدف آن‌ها حمایت از اجرای توسعه ملی برای ترویج توسعه عادلانه، رشد اقتصادی و ثبات ملی است. این نقش بسیار مهم بانکداری ایجاب می‌کند که بانک‌ها همواره بر ارزش شرکت و پایداری کسب‌وکار خود بیفزایند و درعین‌حال عملکرد خود را به‌عنوان یکی از عوامل توسعه ایفا کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از ابزارهایی هست که می‌تواند به بانک‌ها کمک کند و تعهدی فراتر از الزامات قانونی و اقتصادی است که در آن، بانک‌ها مسائل اخلاقی و مشارکت در توسعه اقتصادی را ضمن بهبود کیفیت نیروی کار، در مقیاسی وسیع‌تر یعنی جامعه موردتوجه قرار می‌دهد و فرایند تجاری خود را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کند که اثرات مثبتی در جامعه به همراه داشته باشد. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، ثبات مالی و ظرفیت مالی بانک‌ها است. نمونه موردبررسی شامل ۱۸ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۹ و روش آماری مورداستفاده، مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد؛ همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که

* دانشجوی کارشناسی ارشد ،گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی؛ دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
Email: zahra.oryaie@gmail.com
** استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).
Email: S.mohammadi@razi.ac.ir
*** استادیار،گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی ، دانشگاه رازی،کرمانشاه، ایران.
Email: feivani@razi.ac.ir

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ثبات مالی و ظرفیت مالی بانک‌ها اثر معنادار ندارد. بررسی متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده آن است که مشهود بودن دارایی‌ها تأثیر منفی و معنادار بر ثبات مالی و ظرفیت مالی بانک‌ها و عمر بانک تأثیر مثبت و معنادار بر ظرفیت مالی بانک‌ها دارد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی، ثبات مالی، ظرفیت مالی.

۱- مقدمه

مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک تصمیم استراتژیک است که از طریق آن سازمان‌هایی که متعهد به ایفای مسئولیت اجتماعی خود هستند می‌توانند، باهدف تأثیرگذاری مثبت بر افراد خارج از سازمان، به حل مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی کمک کنند (نس[1]، ۱۹۹۲). مسئولیت‌پذیری اجتماعی عاملی ضروری است که به تداوم فعالیت شرکت‌ها منجر می‌شود؛ زیرا همه شرکت‌ها ارتباط‌هایی با جامعه دارند. لذا جامعه امکان بقای شرکت‌ها را در درازمدت فراهم می‌آورد (بهار مقدم، صادقی و صفرزاده، ۱۳۹۲). از طرفی، نظام بانکی با توجه به ماهیت عملکردی که دارد، سیستمی مبتنی بر تعاملات و ارتباطات بین افراد و بانک است؛ چراکه بانک‌ها با دریافت سپرده و تبدیل پس‌اندازه‌ها و وجوه سرگردان، به فرصت‌های سرمایه‌گذاری مولد، نقش اساسی در تأمین مالی خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی بر عهده داشته و از این طریق، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم می‌کنند. امروزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای همه سازمان‌ها موضوعی مهم به شمار می‌رود که در این میان، نظام بانکداری به سبب مأموریت خاص خود، از جایگاهی ویژه در این خصوص برخوردار است. بر این اساس بانک‌ها و ارائه‌دهنده‌های خدمات مالی عمومی، حساس‌ترین سازمان‌ها در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند؛ زیرا ویژگی برجسته صنعت بانکداری، مشروط بودن این صنعت به بخش‌های پیچیده‌تر و متمایز دولتی و عمومی در مقایسه با سایر صنایع و بخش‌های اقتصادی است. نظام بانکی دارای الزام اجتماعی و حقوقی است تا از این طریق بتواند پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی باشد؛ همچنین صنعت بانکداری نقطه اتکای توسعه اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود (عباسی، زندی لک و خلیفه، ۱۳۹۴). سازمان‌های تجاری اهمیت عملکرد مالی و همچنین عملکرد غیرمالی (به‌عنوان‌مثال عملکرد اجتماعی شرکت‌ها) را بر نتیجه کلی فعالیت‌های خود تأیید می‌کنند (آکسیک و گال[2]، ۲۰۱۱). درحالی‌که امور مالی سنتی بر نظریه کسب حداکثر سود شرکت تمرکز دارد، رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی مفهومی مدرن و

1 Ness
2 Akisik & Gal

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

ذینفع محور از سازمان‌ها را معرفی می‌کند (پالترینیری، دراسی، میگلیاواکا و پیسرا[1]، ۲۰۲۰). واحدهای تجاری از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌توانند ارزش سهام سهامداران خود را افزایش دهند؛ اما در مقابل، درصورتی‌که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی موجب تحمیل هزینه به شرکت و درنتیجه کاهش ارزش شرکت گردد، بلافاصله باید این سرمایه‌گذاری حذف شود و شرکت نباید در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت نماید. در رابطه با این موضوع، فریدمن[2] (۱۹۷۰) اعتقاد دارد که مشارکت شرکت‌ها در فعالیت‌های بلندمدت اجتماعی، به نفع شرکت است. به این صورت که شرکت‌ها به‌عنوان یک کارفرما امکانات و تسهیلات لازم برای کمک به دولت در بهبود زندگی مردم و جامعه را فراهم می‌آورند. در عوض، شرکت‌ها از منابع ارزان نظیر جذب کارکنان مناسب، کاهش دستمزدها و کاهش فساد و تقلب بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین طبق نظریه حداکثر سازی ثروت سهامدار، اهداف اجتماعی کاملاً جدا از اهداف اقتصادی است. از سوی دیگر، کارول[3] (۱۹۷۹) معتقد است که مسئولیت هر سازمانی، صرفاً تأمین انتظارات اقتصادی نیست بلکه شرکت در فعالیت‌های بشردوستانه و اخلاقی نیز مسئول است، زیرا این کسب‌وکارها بخشی از جامعه هستند. مارگولیس، الفن بین و والش[4] (۲۰۰۹)، اظهار داشتند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به شرکت‌ها مزیت رقابتی می‌دهد تا قدرت مالی آن‌ها را افزایش دهد، به این معنا که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد که مربوط به تئوری ذینفعان است (فریمن[5]، ۱۹۸۴). طبق تئوری ذینفعان، موفقیت یک شرکت به روابط مدیریت آن با کلیه ذینفعان بستگی دارد (هامان، هابیش و پکلنر[6]، ۲۰۰۹). بنلملیح[7] (۲۰۱۹) بیان می‌کند که شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی بالا با ارائه سود سهام بیشتر به سهامداران، مشکلات نمایندگی را مدیریت می‌کنند. درنتیجه واحدهای تجاری می‌توانند بازده‌های بلندمدت خود را از طریق کاهش اثرات منفی خود بر اجتماع، به‌صورت اختیاری، حداکثر نمایند. به‌طوری‌که امروزه این تفکر در میان واحدهای تجاری به‌صورت روزافزون در حال شکل‌گیری است که موفقیت بلندمدت آن‌ها می‌تواند از طریق مدیریت کردن عملیات شرکت، هم‌زمان با ایجاد اطمینان از حمایت محیطی و پیشرفت مسئولیت‌پذیری

1 Paltrinieri, Dreassi, Migliavacca & Pisera
2 Friedman
3 Carroll
4 Margolis, Elfenbein & Walsh
5 Freeman
6 Hammann, Habisch & Pechlaner
7 Benlemlih

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

اجتماعی، تحقق یابد (سامی، اودمیلین و بامپتون[1]، ۲۰۰۸)؛ بنابراین اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به بهبود موفقیت شرکت‌ها در بلندمدت می‌شود و درنهایت منجر به رشد اقتصادی و افزایش توان رقابتی و بهبود عملکرد مالی آن می‌گردد. رمضان، امین و عباس[2] (۲۰۲۱)، پیشنهاد می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی باید به‌عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری تلقی شود و نه به‌عنوان یک هزینه. ازاین‌رو انتظار می‌رود سازمان‌های تجاری برای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی هزینه بیشتری را صرف کنند. بااین‌وجود، کشورهای درحال‌توسعه درزمینه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخلاف کشورهای پیشرفته، در سطح پایینی قرار دارند.

در اقتصادهای توسعه‌یافته، شرکت‌ها مشغول فعالیت‌هایی هستند که نه‌تنها به اقتصاد، بلکه به آموزش، محیط کار و ایجاد روابط با مشتری کمک می‌کنند. شرکت‌ها اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی را برای به دست آوردن بازده مالی و غیرمالی گزارش می‌دهند. بازدهی مالی را می‌توان در عملکرد مالی بهتر، ثبات مالی، ظرفیت مالی و دسترسی بهتر به منابع مالی به دلیل تبلیغات شفاهی مثبت در مورد شرکت‌ها منعکس کرد. اکثر شرکت‌ها هیچ سیاست مسئولیت‌پذیری اجتماعی مکتوبی ندارند، بااین‌وجود برخی از شرکت‌ها، به‌خصوص شرکت‌های چندملیتی، درگیر اقدامات مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند که در گزارش‌های سالانه خود افشاء می‌کنند. بااین‌حال، به نظر نمی‌رسد که در کشورهای درحال‌توسعه، تأثیر سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثر مقطعی بر عملکرد داشته باشد (رمضان و همکاران، ۲۰۲۱). ظرفیت مالی از دیگر اهداف مهم سازمان‌های بخش مالی است. راداتز[3] (۲۰۰۶)، بیان کرد که ظرفیت مالی اختلاف بین فقیر و غنی را خاتمه می‌دهد و به ثبات اجتماعی کمک می‌کند. بک، دمیرگوچ –کونت و لوین[4] (۲۰۰۷)، اشاره کردند که با کمک ظرفیت مالی، استفاده‌کنندگان می‌توانند به خدمات مالی بیشتری دسترسی پیدا کنند. هان و ملکی[5] (۲۰۱۳)، اشاره کردند که ظرفیت مالی راهی برای ثبات مالی فراهم می‌کند که اخیراً پژوهشگران دریافته‌اند که ثبات مالی یک کشور نمی‌تواند در غیاب شرکت‌های مالی پایدار وجود داشته باشد. ازآنجاکه بخش بانکداری با فعالیت به‌عنوان یک واسطه بین سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان، نقش مهمی را در تأمین مالی و فعالیت‌های توسعه‌ای ایفا می‌کند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به نتیجه نهایی آن‌ها کمک می‌کند و از

1 Samy, Odemilin & Bampton
2 Remzan, Amin & Abbas
3 Raddatz
4 Beck, Demirguc-Kunt & Levine
5 Han & Melecky

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

طریق ادغام دغدغه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و عملکردی به‌عنوان یک شهروندی شرکتی نقش دارد، زیرا پیش‌بینی می‌شود تعداد بیشتری از سپرده‌های بانکی باعث افزایش ثبات‌بخش بانکی شود. ازاین‌رو، ظرفیت مالی به افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک می‌کند و در سطح اقتصاد کلان، مدت‌هاست که ثبات مالی موردتوجه دانشگاهیان و دولت‌ها قرارگرفته است؛ بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند منجر به ثبات طولانی‌مدت در بخش مالی شود و شرکت‌هایی که این‌گونه فعالیت‌ها را انجام می‌دهند در مقایسه با شرکت‌هایی که در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، از مقاومت و طول عمر بیشتری برخوردارند. اکثر پژوهش‌های قبلی در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر آن بر سودآوری را نشان می‌دهند. به‌ویژه ازنظر ظرفیت مالی و ثبات مالی پژوهش بسیار کمی در رابطه با اقتصادهای نوظهور وجود دارد که برای پر کردن این خلأ، این پژوهش سعی دارد تا تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بر سودآوری بخش بانکی و همچنین عملکرد مالی، ظرفیت مالی و ثبات مالی تعیین کند.

در ادامه پس از مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به ارائه روش پژوهش و یافته‌ها و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها پرداخته‌شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی

اکثر پژوهش‌ها در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی، دیدگاه‌های خود را بر اساس طبقه‌بندی ارائه‌شده توسط پرستون و اوبانن[1] (۱۹۹۷) قرار می‌دهند. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته وجود دو نوع رابطه مثبت و منفی، هرچند نداشتن تأثیر (خنثی) هم در برخی نتایج مشاهده‌شده است و چهار دیدگاه درزمینهٔ ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی مطرح است.

اول اینکه، ارتباط مثبتی بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی وجود دارد و عملکرد اجتماعی پیشرو است و منجر به عملکرد مالی می‌شود. دیدگاه اثر اجتماع به‌عنوان پایه و اساس ارتباط مثبت بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی ارائه‌شده است؛ که در آن سطح بالایی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به سطوح بالای عملکرد مالی می‌شود. این نتیجه منطبق با تئوری ذینفعان است که توسط فریمن (۱۹۸۴) ارائه‌شده است. بر مبنای این تئوری، یک شرکت برای موفقیت مالی نیاز به سرمایه‌گذاری در روابط خود با سهامداران کلیدی دارد.

1 Preston & O'Bannon

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

سپس، سرمایه‌گذاری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی به روابط بهتر با سهامداران شرکت کمک می‌کند و درنهایت منجر به افزایش عملکرد مالی می‌شود (دیمسون، کاراکا و لی[1]، ۲۰۱۵). دوم اینکه، ارتباط منفی بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی وجود دارد و عملکرد اجتماعی پیشرو است. در حمایت از این دیدگاه فرضیه توازن را می‌توان مطرح کرد که ارتباط نزدیکی با دیدگاه فریدمن (۱۹۷۰) دارد و بیان می‌کند که منافع قابل‌اندازه‌گیری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد درحالی‌که دستاوردهای اجتماعی دربرگیرندهٔ هزینه‌های مالی است. به‌عنوان‌مثال، مدیران برای پیگیری منافع خود، روی مسئولیتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ثروت سهامداران را به حداکثر نمی‌رساند. به‌این‌ترتیب، منجر به کاهش مزیت رقابتی شرکت می‌شود و عملکرد مالی آن را کاهش دهد (دیمسون و همکاران، ۲۰۱۵). سوم اینکه، ارتباط مثبتی بین عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی وجود دارد و عملکرد مالی پیشرو است و منجر به عملکرد اجتماعی می‌شود. می‌توان دیدگاه وجوه موجود را نام برد که سرمایه‌گذاری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرهزینه است و بنابراین به منابع مالی شرکت بستگی دارد. مدیران می‌توانند وجوه موجود داخلی را در فعالیت‌های سودمند ازنظر زیست‌محیطی یا اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند، بدون اینکه با مشکلات تأمین مالی خارجی مواجه شوند. حتی اگر کنترل مدیریتی بر جریان‌های نقدی داخلی نگرانی‌های مربوط به مشکلات نمایندگی کلاسیک را افزایش دهد. هزینه کردن این وجوه برای سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه ممکن است قدرت مدیریت را کاهش دهد و به‌نوبه خود، منافعی را برای همه سهامداران ایجاد کند (دریپر و هوگ[2]، ۱۹۷۸). چهارم اینکه، عملکرد مالی پیشرو است و یک رابطه منفی با عملکرد اجتماعی وجود دارد. می‌توان دیدگاه فرصت‌طلبی مدیریتی را نام برد؛ زیرا مدیران برای به حداکثر رساندن منافع شخصی خود به بهای منافع سهامداران و سایر ذینفعان عمل می‌کنند و سعی می‌کنند زمانی که عملکرد مالی شرکت خوب است از مخارج فعالیت‌های اجتماعی شرکت بکاهند و منافع کوتاه‌مدت خود را از طریق دریافت پاداش بیشتر افزایش دهند. بااین‌وجود، پس از عملکرد ضعیف، مدیران تلاش خود را معطوف به افزایش مخارج مسئولیت اجتماعی یا بشردوستانه شرکتی می‌کنند تا عملکرد مالی ضعیف خود را بپوشاند یا توجیه کند (بوریسوف، گلدمن و گوپتا[3]، ۲۰۱۶). هدف نهایی برپایی هر بنگاه اقتصادی حداکثر کردن ارزش ذاتی برای سهامداران در طول زمان‌های متمادی (ارزش‌آفرینی پایدار) است. به‌عبارت‌دیگر نظریه‌های مالی نوین به‌جای حداکثر سازی سود به

1 Dimson, Karaka & Li
2 Draper & Hoag
3 Borisov, Goldman & Gupta

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

دنبال حداکثر کردن ارزش است. در این راستا از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی مبتنی بر ارزش، ارزش‌افزوده اقتصادی می‌باشد که می‌تواند بازده بانک را با دقت بیشتری نسبت به دیگر معیارهای سنتی تشریح کند. در ارزش‌افزوده اقتصادی هزینه فرصت صاحبان سهام منظور شده است و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تعیین هدف و ارزش، سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و طرح‌ها، ارزیابی عملکرد، تعیین سرمایه فکری بانک، تعیین میزان پاداش و ... مورداستفاده قرار گیرد. ارزش‌افزوده اقتصادی درواقع برآورد سود اقتصادی واقعی یک بانک در یک سال بوده و بیانگر باقیمانده سود پس از کسر هزینه سرمایه است، بنابراین معیاری است که هزینه فرصت همه منابع به کار گرفته‌شده در بانک را مدنظر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، در شبکه بانکی کشور، برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها از رویکرد سنتی نسبت‌های مالی استفاده می‌شود درحالی‌که این رویکردها، ضمن داشتن اشکالات حسابداری، نمی‌تواند به‌خوبی وضعیت یک بانک را ازنظر ثبات و سلامت نشان دهد. برای برطرف کردن این نقص، می‌توان علاوه بر به‌کارگیری رویکرد نسبت‌های مالی از اندازه‌گیری ارزش‌افزوده اقتصادی بانک‌ها نیز به‌عنوان یک رویکرد نوین مالی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها استفاده کرد (احمدیان و خوانساری[1]، ۲۰۱۸). هرچند که ارزش‌افزوده اقتصادی از اطلاعات قابل‌اتکاتری استفاده می‌کند، اما این اطلاعات لزوماً مربوط نیستند. به‌عبارت‌دیگر، ارزش‌افزوده اقتصادی هزینه فرصت منابع به کار گرفته شده را بر مبنای ارزش دفتری آن‌ها محاسبه می‌کند درحالی‌که سرمایه‌گذاران انتظار بازده مبتنی بر ارزش بازار را دارند. درنتیجه، ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده؛ مدل اصلاح‌شده‌ای از ارزش‌افزوده اقتصادی است که هزینه سرمایه را بر اساس ارزش‌های بازار سهام و بدهی‌ها محاسبه می‌کند (مهدوی و حسینی ازان آخاری، ۱۳۸۷).

۲-۲- مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ثبات مالی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقش کلیدی در رفع نگرانی‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی ایفا می‌کند (ویدی، رزکیاواتی و لئون[2]،۲۰۲۱). پژوهش‌های کمی در مورد ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ثبات مالی وجود دارد. سرمایه‌گذاری در مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به ریسک کم‌تر و بهبود ارزش شرکت می‌گردد و شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی تمایل به ریسک اعتباری پایین‌تری دارند (جیراپورن، بوپراسرت و چانگ[3]، ۲۰۱۴).

1 Ahmadyan & Khansari
2 Widi, Rizkiawati & Leon
3 Jiraporn, Boeprasert & Chang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

چولت و سندوایدای[1] (۲۰۱۸)، همچنین با بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و ریسک مالی، ثبات مالی بخش بانکی را بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از مؤلفه‌هایی مانند ریسک خاص شرکت، ریسک سیستماتیک و کل برای اندازه‌گیری ریسک مالی، نتیجه گرفتند که عملکرد اجتماعی مثبت یک شرکت ریسک مالی آن را کاهش می‌دهد. حسن، خان و پالترینیری[2] (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که ثبات بانک با ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی ارتباط منفی دارد. لو، چن و لیائو[3] (۲۰۱۰) دریافتند شرکت‌های درگیر در مشارکت‌های خیرخواهانه بیشتر درآمد آتی دارند؛ بنابراین آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که عملکرد خیرخواهانه شرکت‌ها باعث بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود.

دو دیدگاه برای ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ثبات مالی وجود دارد: دیدگاه اول این ارتباط را با بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ریسک خاص در نظر می‌گیرد. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با سوابق حاکمیتی، اجتماعی و زیست‌محیطی بهتر، دارای ریسک خاصی هستند که نیاز به بازده بالاتر دارند؛ و اگر شرکت‌ها به‌طور کامل فاقد تعامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشند، به‌راحتی در معرض خطر بالای ریسک قرار می‌گیرند (باسن، پریگه و زولنر[4]،۲۰۰۹). دومین دیدگاه بر پایه رتبه‌بندی اعتباری است که بیشتر با هزینه سرمایه مرتبط است. ورویمرن و دروال[5]، (۲۰۱۰) با تمرکز بر سلامت کارکنان، به‌عنوان یکی از عوامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیشنهاد می‌کنند که شرکت‌هایی که سوابق پیگیری در رفاه کارکنان دارند، از رتبه‌بندی اعتباری بهتر بهره‌مند می‌شوند و به‌طور قابل‌توجهی احتمال ورشکستگی را کاهش می‌دهند؛ و شرکت‌هایی با عملکرد مسئولیت اجتماعی ضعیف، نرخ اعتباری را کاهش می‌دهند و هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند؛ بنابراین، شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی از رتبه اعتباری مطلوب‌تری برخوردارند.

۳-۲- مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ظرفیت مالی

اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها تأثیر آن بر عملکرد مالی را نشان می‌دهند (پلاتونوا، آسوتای، دیکسون و محمد[6]، ۲۰۱۸)؛ اما امروزه پژوهشگران بر این

1 Chollet & Sandwidi
2 Hassan, Khan & Paltrinieri
3 Lu, Chen & Liao
4 Bassen, Prigge & Zollner
5 Verwijmeren & Derwall
6 Platonova, Asutay, Dixon & Mohammad

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

باورند که سازمان‌های بانکی با ایجاد دسترسی به خدمات مالی مقرون‌به‌صرفه با جوامع و شبکه‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارند (کاچر[1]، ۲۰۱۴). این امر بر رابطه اساسی بین بانک‌ها و جوامع محلی آن‌ها تأکید دارد. همچنین مسئولیت بانک‌ها را در قبال جوامعی که این سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کنند، تقویت می‌کند.

ازآنجایی‌که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط عوامل خاص صنعت و محیط اجتماعی که سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کنند هدایت می‌شوند، سازمان‌های بانکی ممکن است به‌طور قابل‌توجهی در ایجاد ظرفیت مالی در فضای اجتماعی موفق‌تر باشند. در سطح جهانی، به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان یک رویکرد یکپارچه دیده می‌شود که رفاه یک جامعه خاص و همچنین رشد اقتصادی آن را هدف قرار می‌دهد. با تکیه‌بر این دیدگاه، نقش سازمان‌های بانکی در رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی در طول سالیان شاهد تغیر چشمگیری بوده است؛ و دیدگاه فعلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی از دایره بشردوستانه فراتر رفته است، به‌طوری‌که بایستی سازمان‌های بانکی با اتخاذ اقدامات پیشرفته و جامع برای ظرفیت مالی و اجتماعی از طریق فعالیت‌های اجتماعی به سمت توسعه اجتماعی و اقتصادی تلاش کنند (شارما و مانی[2]، ۲۰۱۳). در چند دهۀ اخیر، تأکید زیادی بر سیاست‌گذاری بر ظرفیت مالی برای تضمین توسعه اجتماعی، مالی و اقتصادی پایدار و عادلانه شده است. هدف اصلی ظرفیت مالی تضمین دسترسی و استفاده از خدمات بانکی برای هر فرد از کشور است. به‌طوری‌که تئوری‌های توسعه بیان می‌کنند، ظرفیت مالی بیشتر تأثیر مثبتی بر زندگی فقرا، عمدتاً در کشورهای درحال‌توسعه ایجاد می‌کند (کیم، یو و حسن[3]، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، هر کشوری باید افزایش دسترسی به محصولات مالی مانند بیمه، پس‌انداز، طرح‌های اعتباری خود را در اولویت قرار دهد. بااین‌حال، موانعی مانند فقر، محرومیت اجتماعی و بی‌سوادی، افراد را از دریافت خدمات مالی مقرون‌به‌صرفه و پایدار مانند پس‌انداز، بیمه و اعتبار ارائه‌شده توسط نهادهای رسمی بازمی‌دارد (دینیز، بیروچی و پوزبون[4]، ۲۰۱۲). در کشورهای درحال‌توسعه، سازمان‌های بانکی نقش اساسی در مقابله با مسائل ذکرشده در بالا دارند. بانک‌ها می‌توانند با افراد رابطه مستقیم داشته باشند. برای بهبود بیشتر این موضوع، سازمان‌های بانکی باید استراتژی‌های خاصی را برای افزایش دسترسی به سیستم مالی فعلی طراحی کنند. یکی از راه‌های مؤثری که بانک‌ها می‌توانند از طریق آن خدمات خود را گسترش دهند، طرح‌های

1 Cutcher
2 Sharma & Mani
3 Kim, Yu, & Hassan
4 Diniz, Birochi & Pozzebon

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. علیرغم تغییر دیدگاه به سمت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سازمان‌های بانکی می‌توانند عملکرد بهتری داشته باشند. اگر رویه‌های تجاری اصلی خود را برای تدوین فعالیت‌های استراتژیک تر و همسو با مسئولیت‌پذیری اجتماعی بررسی کنند. سازمان‌های بانکی دسترسی و منابع کافی برای کمک به بهبود جامعه دارند؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های افزایش قابلیت دسترسی به تسهیلات بانکی و بهبود ارتباط بین کسب‌وکار و جامعه تلقی می‌شود (کولدیپ، مادوندرا و جیتندرا[1]، ۲۰۲۱).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه خارجی

رمضان و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، ثبات مالی و ظرفیت مالی در صنعت بانکداری پاکستان پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عمر و اندازه تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی، ثبات مالی و ظرفیت مالی بانک‌ها دارد. بااین‌حال، سطوح بالای اهرم مالی، ظرفیت مالی و ثبات مالی را کاهش می‌دهد، درحالی‌که ظرفیت مالی نیز به‌طور منفی با مشهود بودن دارایی‌ها مرتبط است.

کومار، تریکاوالا و آچاریا[2] (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر ظرفیت مالی بر سودآوری در صنعت بانکداری ژاپن پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، ظرفیت مالی حتی در یک اقتصاد توسعه‌یافته نیز مهم است و باعث کاهش انقباض سودآوری شعب بانک‌های ژاپن می‌شود. همچنین نتایج پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار تعداد شعب بر سودآوری بانک‌هاست.

ویدی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، ظرفیت مالی و ثبات مالی: در صنعت بانکداری اندونزی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی و ظرفیت مالی دارد. همچنین، سطح اهرم، عملکرد مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما تأثیر منفی و معنادار بر ثبات مالی دارد.

1 Kuldeep, Madhvendra & Jitendra
2 Kumar,Thrikawala & Acharya

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

اوللّه، پینگلو و نینگوی[1] (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر کارایی سرمایه فکری بر ثبات مالی: در صنعت بانکداری پاکستان پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، کارایی سرمایه فکری تأثیر قابل‌توجهی بر ثبات مالی بانک‌ها دارد که فرضیه مبتنی بر منابع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که افزایش کارایی سرمایه فکری منجر به ثبات بهتر بانک‌ها می‌شود.

بنی خالد، الدالبیه و علیمات[2] (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هزینه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی و غیرمالی: در صنعت بانکداری اردن پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، یک رابطه مثبت و معنادار بین هزینه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی وجود دارد، همچنین، بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معنادار، درحالی‌که بازده دارایی و مدل کیوتوبین رابطه منفی و معنادار اما قیمت بازار سهام رابطه مثبت اما بی‌معنا با هزینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد.

۲-۳- پیشینه داخلی

ذوالفقاری، واعظ و خدامرادی (۱۴۰۰) در پژوهشی به ارائه الگوی تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، در شرایط بحران‌های مالی، ارتباطات سیاسی بر نرخ بازده دارایی‌ها، نسبت کیوتوبین بانک‌های نمونه؛ تأثیر منفی و معنادار و حاکمیت شرکتی بر نرخ بازده دارایی‌ها و نسبت کیوتوبین بانک‌های نمونه؛ تأثیر مثبت و معناداری دارد.

اکبریان، انواری رستمی، رضایی و عبدی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر شاخص‌های عملکرد اجتماعی بر ریسک اعتباری در صنعت بانکداری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، بین شاخص‌های عملکرد اجتماعی و ریسک اعتباری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه به شاخص‌های عملکرد اجتماعی در بانک‌ها توجه و برای عملیاتی کردن آن‌ها هزینه بیشتری انجام شود ریسک اعتباری نیز افزایش خواهد یافت.

حسین زاده، ساری و ناروئی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت اطلاعات بر بهبود عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بر اساس تئوری ذینفعان، گزارشگری مسئولیت اجتماعی بانک‌ها اهمیت داشته و تأثیر مستقیمی بر عملکرد آن‌ها می‌گذارد، همچنین نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که بر اساس تئوری افشاء با افزایش سطح افشای اطلاعات، عملکرد مالی بانک‌ها نیز بهبود خواهد یافت.

1 Ullah, Pinglu, & Ningyu
2 Bani-khaled, Eldalabeeh & Alolimat

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

فراهانی و صبوری (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر کفایت سرمایه، ساختار سرمایه و نقدینگی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، نسبت کفایت سرمایه و ساختار سرمایه تأثیر مثبت و معنادار بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد. از طرفی، اندازه بانک اثر منفی و معنادار بر بازده حقوق صاحبان سهام بانک دارد. عمر بانک و درصد مالکیت سهامداران نهادی اثر معناداری بر بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها ندارند.

صادقی عمرو آبادی و عمادی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی اثر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، اثر دوگانگی مدیرعامل بر ثبات مالی منفی و معنادار است. همچنین اثر سهامداران نهادی بر ثبات مالی، مثبت و معنادار و اثر متغیر مالکیت دولتی بر متغیر ثبات مالی، منفی و معنادار است. همچنین اثر نسبت اعضای مستقل هیئت‌مدیره و تعداد اعضای هیئت‌مدیره بر ثبات مالی نیز مثبت و معنادار است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اصلی اول: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها اثر معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده بانک‌ها اثر معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش‌افزوده حقیقی بانک‌ها اثر معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۳: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش‌افزوده نقدی بانک‌ها اثر معنادار دارد.

فرضیه اصلی دوم: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ثبات مالی بانک‌ها اثر معنادار دارد.

فرضیه اصلی سوم: مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ظرفیت مالی بانک‌ها اثر معنادار دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

۵- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، ثبات مالی و ظرفیت مالی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است، بنابراین با جمع‌آوری اطلاعات گذشته بانک‌ها، طرح پژوهش پس رویدادی و ازلحاظ هدف کاربردی است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره به روش حداقل مربعات معمولی استفاده گردیده است. سپس داده‌های پژوهش از طریق داده‌های بانک‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری‌شده است. سپس با جمع‌بندی و محاسبات موردنیاز در صفحه گسترده بانک اطلاعاتی اکسل برای تجزیه‌وتحلیل آماده‌شده و تجزیه‌وتحلیل نهایی به کمک نرم‌افزار ایویوز صورت گرفته است.

۶- جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دورهٔ زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ تشکیل می‌دهند و نمونهٔ انتخابی پژوهش نیز بانک‌هایی‌اند که مجموعهٔ شرایط زیر را دارا باشند: ۱) بانک‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده و تا پایان سال ۱۳۹۹ از فهرست بانک‌های بورسی حذف نشده باشند.۲) بانک‌هایی که اطلاعات مالی آن‌ها در دورهٔ زمانی مذکور در دسترس باشد.۳) به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.۴) طی دورهٔ موردنظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۸ بانک به‌عنوان نمونهٔ آماری موردمطالعه در این پژوهش انتخاب شدند.

۷- مدل روش پژوهش برحسب هدف، نوع داده‌ها و نحوه اجرا

۷-۱- مدل پژوهش

در این پژوهش به پیروی از پژوهش رمضان و همکاران (۲۰۲۱) و ویدی و همکاران (۲۰۲۱) و به‌منظور آزمون فرضیه اصلی اول از مدل‌های (۱)، (۲) و (۳) استفاده‌شده است.

مدل (۱)
$$REVA_{it} = \alpha + \beta 1\ \mathrm{SR}_{it} + \beta 2 \mathrm{Leverage}_{it} + \beta 3\ \mathrm{Tangibility}_{it} + \beta 4\ \mathrm{Age}_{it} + \beta 5\ \mathrm{Size}_{it} + \mu it$$

مدل (۲)
$$\mathrm{TVR}_{it} = \alpha + \beta 1 \mathrm{SR}_{it} + \beta 2 \mathrm{Leverage}_{it} + \beta 3\ \mathrm{Tangibility}_{it} + \beta 4\ \mathrm{Age}_{it} + \beta 5\ \mathrm{Size}_{it} + \mu it$$

مدل (۳)
$$\mathrm{CVA}_{it} = \alpha + \beta 1 \mathrm{SR}_{it} + \beta 2 \mathrm{Leverage}_{it} + \beta 3\ \mathrm{Tangibility}_{it} + \beta 4\ \mathrm{Age}_{it} + \beta 5\ \mathrm{Size}_{it} + \mu it$$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

همچنین به‌منظور آزمون فرضیه‌های اصلی دوم و سوم پژوهش نیز از مدل (۴) و (۵) استفاده‌شده است.

مدل (۴) $$FS_{it} = \alpha + \beta 1\mathrm{SR}_{it} + \beta 2\mathrm{Leverage}_{it} + \beta 3\ \mathrm{Tangibility}_{it} + \beta 4\ \mathrm{Age}_{it} + \beta 5\ \mathrm{Size}_{it} + \mu_{it}$$

مدل (۵) $$FI_{it} = \alpha + \beta 1\mathrm{SR}_{it} + \beta 2\mathrm{Leverage}_{it} + \beta 3\ \mathrm{Tangibility}_{it} + \beta 4\ \mathrm{Age}_{it} + \beta 5\ \mathrm{Size}_{it} + \mu_{it}$$

۲-۷- متغیرهای پژوهش

۱-۲-۷- متغیرهای وابسته

عملکرد مالی: در این پژوهش عملکرد مالی با استفاده از سه معیار مبتنی بر ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده، ارزش‌افزوده حقیقی و ارزش‌افزوده نقدی اندازه‌گیری می‌شود؛ و به‌منظور همگن‌سازی آن‌ها همانند (امین و صالح نژاد، ۱۳۹۹؛ هاشمی، داداشی، غلام نیا روشن و یحیی زاده فرد، ۱۴۰۰)، از نسبت ارزش‌افزوده بر مجموع دارایی‌ها استفاده می‌شود.

ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده: ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده روش ارزش‌افزوده اقتصادی[1] را گسترش می‌دهد و به‌عنوان چارچوب تحلیلی ارزیابی عملکرد شرکت، منجر به فراهم نمودن مفهوم ارزش‌آفرینی سهامدار می‌شود. ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده به شرح زیر قابل‌محاسبه است (مهدوی و حسینی اذان آخاری،۱۳۸۷):

رابطه (۱) $$\mathrm{REVA} = \mathrm{NOPAT}_t - \mathrm{WACC}(\mathrm{Mcapital}_{t-1})$$

$\mathbf{NOPAT_t}$ – سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات در دوره t.

WACC – میانگین موزون نرخ هزینه سرمایه.

$\mathbf{Mcapital_{t-1}}$ – ارزش بازار مجموع سرمایه شرکت در ابتدای دوره t.

برای محاسبه نرخ هزینه سرمایه از میانگین موزون نرخ هزینه سرمایه (WACC) استفاده می‌شود که به‌صورت زیر قابل‌محاسبه است (کارگر پور، خدادادی، جرجرزاده، صالحی و کعب عمیر، ۱۳۹۹):

رابطه (۲) $$\mathrm{WACC} = (\mathrm{W}_d \times K_d) + (\mathrm{W}_e \times K_e)$$

$\boldsymbol{W_d}$: وزن بدهی

$\boldsymbol{W_e}$: وزن حقوق صاحبان سهام

$\boldsymbol{K_d}$: نرخ هزینه بدهی

$\mathbf{K}_e$: نرخ هزینه حقوق صاحبان سهام

1 Economic Value Added (EVA)

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

نحوه محاسبه نرخ هزینه هریک از منابع تأمین مالی به شرح زیر است:

الف- نرخ هزینه بدهی: نرخ هزینه بدهی بر اساس فرمول زیر محاسبه‌شده است:

رابطه (۳) $K_d = r(1-t)$

r: نرخ بهره بدهی از آئین‌نامه بانک مرکزی استخراج‌شده است.

ب- نرخ هزینه سهام عادی، سود انباشته و اندوخته‌ها: برای محاسبه نرخ هزینه سهام عادی، سود انباشته و اندوخته‌ها، از روش جریان‌های نقدی تنزیل شده (DCF) یا مدل گوردون استفاده می‌شود که فرمول آن به‌صورت زیر است:

رابطه (۴) $K_e = \frac{\mathrm{D}_0(1+\mathrm{g})}{\mathrm{P}_0} + \mathrm{g}$

$\mathbf{D_0}$: سود نقدی هر سهم در دوره جاری

$\mathbf{P_0}$: قیمت هرسهم

$\mathbf{g}$: نرخ رشد سود سهام (g)، با فرض پایدار بودن نسبی انباشت سود و بازده ارزش ویژه، به‌صورت زیر محاسبه‌شده است (جهانخانی و سجادی،۱۳۷۴):

رابطه (۵) نسبت انباشت سود $= \frac{\text{سود تقسیم نشده هرسال}}{\text{سود خالص همان سال}}$

رابطه (۶) بازده ارزش ویژه $= \frac{\text{سود خالص}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$

رابطه (۷) $g =$ بازده ارزش ویژه × نسبت انباشت سود

نحوه محاسبه وزن هریک از منابع تأمین مالی به شرح ذیل است: وزن هریک از منابع از طریق تقسیم ارزش بازار هر منبع بر جمع ارزش بازار منابع به کار گرفته‌شده، به دست می‌آید. با توجه به اینکه ارزش بازار بدهی‌ها تقریباً معادل ارزش دفتری آن‌هاست، ازاین‌رو ارزش دفتری آن‌ها مدنظر قرارگرفته است.

رابطه (۸) جمع منابع = ارزش بازار سهام عادی + ارزش دفتری بدهی‌های بهره دار

بر این اساس، وزن هریک از منابع به‌صورت زیر محاسبه‌شده است:

رابطه (۹) وزن بدهی‌های بهره دار $= \frac{\text{ارزش دفتری بدهی‌های بهره دار}}{\text{جمع ارزش بازار منابع}}$

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

رابطه (۱۰) $\text{وزن سهام عادی} = \frac{\text{ارزش بازار سهام عادی}}{\text{جمع ارزش بازار منابع}}$ ،سود انباشته و هااندوخته

برای محاسبه ارزش بازار سرمایه شرکت از رابطه (۱۱) استفاده‌شده است:

رابطه (۱۱)
$$Mcapital_{t-1} = (\text{ادعت ماهس تکرش} \times \text{تمیق رازاب ماهس رد یادتبا هرود}) + (\text{ارزش دفتری کل هابدهی}) + (\text{بدهی‌های جاری بدون بهره} -$$

ارزش‌افزوده حقیقی: موهانتی[1] در سال ۲۰۰۳ ارزش‌افزوده حقیقی را معرفی نمود، او اظهار داشت که با استفاده از این معیار می‌توان دقیق‌تر ارزش عملکرد را سنجید و فرمول محاسباتی ارزش‌افزوده حقیقی را به‌صورت زیر ارائه نمود (بایراکداگلو و یالکین[2]،۲۰۱۲):

رابطه (۱۲) $$\text{TVA} = \text{FCF} + \text{Capital Gains} - (\text{MV} \times (1 + \text{WACC}))$$

FCF: جریان نقد آزاد است که باکم کردن خالص کل سرمایه در گردش عملیاتی [3] از سود عملیاتی پس از کسر مالیات حاصل می‌شود.

Capital Gains: سود سرمایه است که از اختلاف بین ارزش بازار شرکت در انتهای دوره و ابتدای دوره حاصل می‌شود.

MV: ارزش بازار شرکت است که از ضرب قیمت سهام شرکت در تعداد سهام آن حاصل می‌شود.

ارزش‌افزوده نقدی: ارزش‌افزوده نقدی به مازاد وجه نقدی گفته می‌شود که پس از کسر هزینه سرمایه نقدی از سود نقدی عملیاتی به دست می‌آید (قادری، لشگری، تاری وردی و کیقبادی، ۱۳۹۹).

1 Mohanty

2 Bayrakdaroglu & Yalcin

۳ مدیران بانک‌ها با استفاده از منابع انسانی، منابع مالی و فیزیکی که در اختیاردارند. درصدد افزایش سودآوری و رسیدن به اهداف تعیین‌شده می‌باشند. سرمایه اعم از سرمایه مالی و انسانی، عموماً منبع اصلی و پایه در فرایند ایجاد ارزش به شمار می‌آیند. در بررسی عملکرد مؤسسات مالی و ازجمله بانک‌ها، یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت، مقوله سودآوری است. در این بین سرمایه در گردش و مدیریت آن نقش بسیار مهمی در سودآوری صنعت بانکداری دارد و بانک‌ها می‌توانند سطح بهینه‌ای از سرمایه در گردش را دارا باشند که ارزش آن‌ها را بیشینه نماید چراکه بخش عظیمی از سرمایه سازمان را به خود اختصاص می‌دهد (اسدی اسدآباد و چتاک اوغلی، ۱۳۹۷).

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

رابطه (۱۳) $CVA =$ هزینه سرمایه نقدی − سود نقدی عملیاتی پس از کسر مالیات

سود نقدی عملیاتی پس از کسر مالیات

رابطه (۱۴) وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی =

مالیات پرداختی −

رابطه (۱۵) سود سهام پرداختی + بهره پرداختی = هزینه سرمایه

ثبات مالی: ثبات مالی را می‌توان با استفاده از شاخص z-score اندازه‌گیری کرد:

رابطه (۱۶) $Z = (k + m)/s$

در این معادله k همان نسبت سرمایه نقدی به دارایی است که از تقسیم سرمایه نقدی به مجموع دارایی‌های مالی بانک به دست می‌آید. m میانگین بازدهی دارایی‌های بانک است. قابل‌ذکر است که در صورت سود و زیان بانک‌ها دو نوع درآمد ذکرشده است: درآمدهای مشاع و غیر مشاع. درآمدهای مشاع همان درآمد ناشی از اعطای تسهیلات است که وقتی سهم سپرده‌گذاران از آن کسر شود، آنچه باقی می‌ماند همان سهم بانک از درآمدهای مشاع است و در این پژوهش به‌عنوان بازدهی ناشی از فعالیت‌های مشاع در نظر گرفته‌شده است. درآمدهای غیر مشاع هم شامل مواردی از قبیل درآمد ناشی از معاملات ارزی، کارمزد دریافتی، حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌ها و ... است؛ و برای محاسبه m از میانگین درآمدهای مشاع و غیر مشاع استفاده‌شده و درنهایت میانگین به‌دست‌آمده بر سطح دارایی‌های مالی بانک تقسیم‌شده است. s انحراف معیار بازدهی روی دارایی‌هاست و نشان‌دهنده نوسانات بازدهی است (چیهاک و هسه[1]، ۲۰۰۸).

ظرفیت مالی: ظرفیت مالی با استفاده از دو معیار اندازه‌گیری می‌شود (رمضان و همکاران،۲۰۲۱):

۱) تعداد شعب[2] بانک در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت

۲) تعداد خودپردازها[3] در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت

۲-۲-۷- متغیر مستقل

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های لانیس و ریچاردسون[1] (۲۰۱۵) و نمازی و جعفری (۱۳۹۸) برای محاسبه مسئولیت‌پذیری اجتماعی از شش بعد

1 Cihak & Hesse
2 NOBB
3 NOBA

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

سهامداران، کارکنان، محیط‌زیست، جامعه، مشتریان و حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود. شکل زیر ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت و معیار اندازه‌گیری آن‌ها را که در گزارش‌های سالانه صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی افشا می‌شوند، نشان می‌دهد.

جدول (۱). ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی

ابعاد	شاخص	معیار اندازه‌گیری
سهامداران	افزایش ثروت سهامداران	سود هر سهم
کارکنان	مزایا، کیفیت زندگی کاری، سلامت و ایمنی محل کار	حقوق و دستمزد و مزایا
محیط‌زیست	دارایی‌های فیزیکی، انتشار آلودگی	تجهیزات و ماشین‌آلات
جامعه	حمایت‌های اجتماعی – اقتصادی	مالیات
مشتریان	فعالیت‌های بازاریابی، کیفیت و نوآوری محصول	هزینه‌های پژوهش و توسعه
حاکمیت شرکتی	استقلال هیئت‌مدیره	درصد مدیران غیرموظف
	تمرکز مالکیت	درصد سهامداران عمده
	مالکیت نهادی	درصد سهامداران نهادی

به‌منظور رتبه‌بندی مشارکت شرکت‌ها در مسئولیت اجتماعی از الگوی رتبه‌بندی پنجک، به پیروی از بنتلی، عمر و ناتان[2] (۲۰۱۳) استفاده می‌شود. به این صورت که داده‌های هر بعد به‌صورت هرسال/ شرکت به پنج طبقه تقسیم و عدد هرسال/ شرکت بر اساس قرار گرفتن در هر طبقه از ۱ تا ۵ رتبه‌بندی می‌شود. با توجه به اینکه در این پژوهش شش بعد به‌منظور سنجش مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، بیشترین امتیاز هرسال /شرکت ۳۰ و کمترین امتیاز هرسال /شرکت، می‌تواند ۶ باشد. در این پژوهش، معیارهای اندازه‌گیری ابعاد مشتریان، کارکنان، جامعه، سهامداران و حاکمیت شرکتی که تأثیری مثبت در فعالیت‌های اجتماعی دارند، به ترتیب از کمترین رقم تا بیشترین رقم، از ۱ تا ۵ امتیاز داده شد. بدین‌صورت که به ارقام بالاترین طبقه، امتیاز ۵، طبقه دوم، امتیاز ۴ و به همین ترتیب تا پایین‌ترین ارقام که امتیاز ۱ به آن‌ها اختصاص داده شد. با توجه به اینکه بعد محیط‌زیست، تأثیر منفی و مخربی بر فعالیت‌های اجتماعی دارد، به ترتیب از بیشترین رقم تا کمترین رقم، از ۱ تا ۵ امتیازبندی می‌شود. بدین‌صورت که به بالاترین اعداد این بعد امتیاز ۱ و به پایین‌ترین اعداد، امتیاز ۵ تعلق گرفت. درنهایت، مجموع امتیاز همه ابعاد ذکرشده به‌عنوان رتبه مشارکت شرکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (نمازی و جعفری، ۱۳۹۸).

1 Lanis & Richardson
2 Bentley, Omer & Nathan

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

۳-۲-۷- متغیرهای کنترلی

اهرم مالی: حاصل تقسیم مجموع بدهی‌ها بر ارزش دفتری دارایی‌های بانک است.

مشهود بودن: برابر است با نسبت دارایی‌های غیر جاری به‌کل دارایی‌های بانک.

عمر بانک: برابر است با لگاریتم طبیعی تفاضل بین سال تأسیس بانک از سال جاری.

اندازه بانک: برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش روز سهام بانک.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول شماره ۲ آمار توصیفی متغیرهای وابسته و متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی برای ۱۰۸ مشاهده (۱۸ بانک طی سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۹) را نشان می‌دهد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. بیشترین مقدار میانگین مربوط به متغیر ثبات مالی بانک‌ها برابر با ۸۰۹/۴۰۶ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکزیافته‌اند؛ و مهم‌ترین پارامتر پراکندگی، انحراف معیار است که نشان‌دهنده میزان پراکندگی داده‌ها از میانگین است. بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر به ترتیب برای متغیر ثبات مالی و کمترین برای متغیر مشهود بودن است. از طرفی، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری آماره جارک - برا برای متغیرهای ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده، ارزش‌افزوده حقیقی، ارزش‌افزوده نقدی، ثبات مالی، ظرفیت مالی، عمر بانک و اندازه بانک بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده پذیرش فرضیه صفر آماری مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرهای موردبررسی است.

جدول (۲). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	آماره جارک-برا	سطح معناداری
ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده	-۰/۲۰۹	۱/۳۷۱	-۱/۱۶۶	۰/۲۲۶	۱/۷۶۸	۰/۳۶۱
ارزش‌افزوده حقیقی	۰/۱۷۹	۲/۲۰۷	-۰/۳۴۹	۰/۳۳۰	۱/۳۸۰	۰/۴۶۴
ارزش‌افزوده نقدی	-۰/۱۰۶	۰/۱۶۰	-۰/۴۷۲	۰/۰۹۲	۱/۸۶۷	۱/۳۴۲
ثبات مالی	۸۰۹/۴۰۶	۱۰۲۵۳/۸۰۰	-۱۷۸.۴۰۰	۱۵۲۴.۹۱۹	۱/۹۷۸	۰/۳۲۳
ظرفیت مالی	۲/۵۳۳	۹/۹۰۶	۰/۰۴۷	۲/۷۲۲	۱/۵۷۲	۰/۴۰۳
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۹/۰۱۸	۲۶/۰۰۰	۹/۰۰۰	۳/۹۹۳	۶/۲۲۱	۰/۰۴۵
اهرم مالی	۱/۰۳۹	۳/۳۱۸	۰/۸۵۹	۰/۳۳۰	۴۳۷۶/۵۶۴	۰/۰۰۰
مشهود بودن	۰/۱۵۷	۰/۵۲۷	۰/۰۲۸	۰/۰۶۹	۲۷۵/۰۸۸	۰/۰۰۰
عمر بانک	۲/۵۱۴	۴/۲۲۰	۰/۶۹۳	۰/۷۵۴	۳/۵۹۲	۰/۱۶۶
اندازه بانک	۱۷/۰۴۱	۲۰/۷۱۱	۱۳/۱۲۲	۱/۵۲۵	۱/۱۰۵	۰/۵۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

۸-۲- بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

بر اساس آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو، چون مقدار P-Value کمتر از ۵٪ بوده است، کل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی پژوهش در طی دوره پژوهش پایا بوده‌اند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه‌شده است.

جدول (۳). پایایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین، لین و چو

متغیرهای پژوهش	نماد متغیرهای پژوهش	آماره آزمون	معناداری
ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده	**REVA**	-۱۱/۲۶۵	۰/۰۰۰
ارزش‌افزوده حقیقی	**TVR**	-۱۱/۵۷۳	۰/۰۰۰
ارزش‌افزوده نقدی	**CVA**	-۲۱/۸۶۰	۰/۰۰۰
ثبات مالی	**FS**	-۱۶/۹۷۴	۰/۰۰۰
ظرفیت مالی	**FI**	-۱۱/۲۸۴	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	**SR**	-۷/۵۵۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	**Leverage**	-۹/۲۷۴	۰/۰۰۰
مشهود بودن	**Tangibility**	-۱۶/۴۸۶	۰/۰۰۰
عمر بانک	**Age**	-۱۴/۶۶۹	۰/۰۰۰
اندازه بانک	**Size**	-۶/۱۵۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۸-۳- آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: به‌منظور بررسی فرضیه اصلی اول، ۳ فرضیه فرعی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آماری حاصل از آزمون این فرضیه‌ها در جدول‌های شماره ۴ الی ۶ ارائه‌شده است.

فرضیه فرعی اول: نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات تصادفی در جدول شماره ۴ ارائه‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین (R^2) که درواقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود، برابر با ۰/۴۵۱ است. یعنی فقط ۴۵/۱٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توضیح است؛ و سطح معناداری مربوط به آماره t بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری بر ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده ندارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی اول پذیرفته نمی‌شود. بررسی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

ضرایب و سطح معناداری متغیرهای کنترلی نیز حاکی از این است که اهرم مالی دارای تأثیر منفی و معنادار بر ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده است و مشهود بودن، عمر بانک و اندازه بانک تأثیر معناداری بر ارزش‌افزوده اقتصادی پالایش‌شده ندارد.

جدول (۴). نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۰۰۵	-۱/۱۱۸	۰/۲۶۶
اهرم مالی	-۰/۴۲۷	-۸/۰۴۲	۰/۰۰۰
مشهود بودن	-۰/۴۶۳	-۱/۷۲۱	۰/۰۸۸
عمر بانک	۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	۰/۹۹۰
اندازه بانک	۰/۰۱۹	۱/۴۳۸	۰/۱۵۳
مقدار ثابت	۰/۰۷۸	۰/۳۶۷	۰/۷۱۴
آماره F لیمر	۱/۸۲۲	سطح معناداری آماره F لیمر	۰/۰۳۸
آماره هاسمن (کای‌مربع)	۱۰/۸۳۲	سطح معناداری هاسمن	۰/۰۵۵
ضریب تعیین	۰/۴۵۱	دوربین واتسون	۱/۹۴۹
آماره F کل مدل	۱۶/۷۷۹	سطح معناداری آماره F کل مدل	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه فرعی دوم: نتایج حاصل از آزمون فرعی دوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۵ ارائه‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین (R^2) که درواقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود، برابر با ۰/۹۵۲ است. یعنی فقط ۹۵/۲٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توضیح است؛ و سطح معناداری مربوط به آماره t بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری بر ارزش‌افزوده حقیقی ندارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی اول پذیرفته نمی‌شود. بررسی ضرایب و سطح معناداری متغیرهای کنترلی نیز حاکی از این است که اهرم مالی، مشهود بودن و عمر بانک دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ارزش‌افزوده حقیقی است و اندازه بانک تأثیر معناداری بر ارزش‌افزوده حقیقی ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

جدول (۵). نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۰۰۱	-۰/۱۵۰	۰/۸۸۱
اهرم مالی	۰/۸۵۴	۲۱/۵۴۱	۰/۰۰۰
مشهود بودن	۰/۸۲۶	۳/۵۷۷	۰/۰۰۱
عمر بانک	۰/۱۶۳	۳/۲۰۹	۰/۰۰۲
اندازه بانک	-۰/۰۲۲	-۱/۸۸۶	۰/۰۶۳
مقدار ثابت	-۰/۸۶۷	-۵/۳۹۴	۰/۰۰۰
آماره F لیمر	۱۱/۳۱۶	سطح معناداری آماره F لیمر	۰/۰۰۰
آماره هاسمن (کای‌مربع)	۱۲/۶۹۷	سطح معناداری هاسمن	۰/۰۲۶
ضریب تعیین	۰/۹۵۲	دوربین واتسون	۲/۳۴۹
آماره F کل مدل	۷۶/۳۶۵	سطح معناداری آماره F کل مدل	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه فرعی سوم: نتایج حاصل از آزمون فرعی سوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۶ ارائه‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین (R^2) که درواقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود، برابر با ۰/۶۳۴ است. یعنی فقط ۶۳/۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توضیح است؛ و سطح معناداری مربوط به آماره t بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش‌افزوده نقدی دارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی سوم از فرضیه اصلی اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. بررسی ضرایب و سطح معناداری متغیرهای کنترلی نیز حاکی از این است که اندازه بانک دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ارزش‌افزوده نقدی است و اهرم مالی، مشهود بودن و عمر بانک تأثیر معناداری بر ارزش‌افزوده نقدی ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

جدول (۶). نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۰۰۶	۲/۴۵۹	۰/۰۱۶
اهرم مالی	-۰/۰۱۸	-۰/۶۰۷	۰/۵۴۶
مشهود بودن	-۰/۳۰۳	-۱/۷۰۸	۰/۰۹۱
عمر بانک	-۰/۰۲۷	-۰/۷۰۱	۰/۴۸۵
اندازه بانک	۰/۰۲۸	۳/۱۲۵	۰/۰۰۲
مقدار ثابت	-۰/۵۵۳	-۴/۴۸۶	۰/۰۰۰
آماره F لیمر	۴/۴۷۵	سطح معناداری آماره F لیمر	۰/۰۰۰
آماره هاسمن (کای‌مربع)	۲۷/۸۱۵	سطح معناداری هاسمن	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۳۴	دوربین واتسون	۱/۹۹۱
آماره F کل مدل	۶/۷۰۱	سطح معناداری آماره F کل مدل	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی دوم: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی دوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات تصادفی در جدول شماره ۷ ارائه‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین (R^2) که درواقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود، برابر با ۰/۱۲۰ است. یعنی فقط ۱۲٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توضیح است؛ و سطح معناداری مربوط به آماره t بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری بر ثبات مالی ندارد؛ بنابراین، فرضیه اصلی دوم پذیرفته نمی‌شود. بررسی ضرایب و سطح معناداری متغیرهای کنترلی نیز حاکی از این است که مشهود بودن دارای تأثیر منفی و معنادار بر ثبات مالی است و اهرم مالی، عمر بانک و اندازه بانک تأثیر معناداری بر ثبات مالی ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

جدول (۷). نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۴/۷۷۳	۰/۱۱۰	۰/۹۱۳
اهرم مالی	۷/۱۸۰	۰/۰۱۴	۰/۹۸۹
مشهود بودن	-۷۲۳۲/۵۲۰	-۲/۶۵۵	۰/۰۰۹
عمر بانک	-۳۲۸/۹۹۹	-۰/۹۷۰	۰/۳۳۴
اندازه بانک	-۷۱/۷۰۲	-۰/۵۲۸	۰/۵۹۸
مقدار ثابت	۳۸۹۳/۶۰۶	۱/۸۹۵	۰/۰۶۱
آماره F لیمر	۲/۶۵۷	سطح معناداری آماره F لیمر	۰/۰۰۲
آماره هاسمن (کای‌مربع)	۲/۵۸۱	سطح معناداری هاسمن	۰/۷۶۴
ضریب تعیین	۰/۱۲۰	دوربین واتسون	۱/۸۷۹
آماره F کل مدل	۲/۷۷۰	سطح معناداری آماره F کل مدل	۰/۰۲۲

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی سوم: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی سوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۸ ارائه‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین (R^2) که درواقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود، برابر با ۰/۹۸۴ است. یعنی ۹۸/۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی قابل توضیح است؛ و سطح معناداری مربوط به آماره t بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری بر ظرفیت مالی ندارد؛ بنابراین، فرضیه اصلی سوم پذیرفته نمی‌شود. بررسی ضرایب و سطح معناداری متغیرهای کنترلی نیز حاکی از این است که مشهود بودن دارای تأثیر منفی و معنادار و عمر بانک دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ظرفیت مالی است و اهرم مالی و اندازه بانک تأثیر معناداری بر ظرفیت مالی ندارد.

جدول (۸). نتایج آزمون فرضیه اصلی سوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰/۰۰۳	۰/۲۴۱	۰/۸۱۰
اهرم مالی	-۰/۰۲۱	-۰/۱۱۲	۰/۹۱۱
مشهود بودن	-۲/۶۸۱	-۲/۴۴۶	۰/۰۱۷
عمر بانک	۰/۷۶۴	۳/۱۶۹	۰/۰۰۲
اندازه بانک	۰/۰۶۰	۱/۰۹۷	۰/۲۷۶
مقدار ثابت	۰/۰۹۲	۰/۱۲۱	۰/۹۰۴
آماره F لیمر	۱۰۰/۵۷۷	سطح معناداری آماره F لیمر	۰/۰۰۰
آماره هاسمن (کای‌مربع)	۱۲/۷۱۶	سطح معناداری هاسمن	۰/۰۲۶
ضریب تعیین	۰/۹۸۴	دوربین واتسون	۱/۶۷۹
آماره F کل مدل	۲۳۷/۹۴۹	سطح معناداری آماره F کل مدل	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

۹- بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه با سایر بنگاه‌ها، با توجه به نقش بانک‌ها در اقتصاد و تجارت به‌عنوان تسهیلگر و محرک چرخ‌های اقتصاد و تجارت و همچنین، به‌عنوان فراهم آورندگان خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی، نقش کلیدی در نهادینه‌سازی و توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه ایفا می‌کنند. بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مولد ثروت اهمیت زیادی در به جریان انداختن حرکت فکری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کل جامعه دارند و به همین دلیل، جامعه از آنان انتظار دارد به ازای ثروتی که از محل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز مردم کسب می‌کنند، خدماتی به اعضای ضعیف‌تر و آسیب‌پذیر یا نیازمند جامعه ارائه دهند. این‌چنین است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها در کشورها کارکردی اخلاقی و فرا اقتصادی پیدا می‌کند. بانک‌ها جزء واسطه‌های مالی طبقه‌بندی می‌شوند که سپرده‌ها را از افراد و نهادها می‌پذیرند و از سویی دیگر وام اعطا می‌کنند، بانک‌های تجاری از طریق ایجاد سپرده‌های دیداری، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار به جمع‌آوری وجوه می‌پردازند و از آن‌ها برای اعطای وام‌های تجاری، مصرفی، مسکن و یا خرید اوراق بهادار دولتی و اوراق قرضه شهرداری‌ها استفاده می‌کنند. اگرچه بانک‌ها و بازارهای مالی در معرض نوسانات بازار هستند و با مشکلاتی از قبیل بدهی‌های پرداخت‌نشده و مسائل مربوط به ساختار ترازنامه مواجه‌اند ولی بانک‌ها موظف‌اند با این مشکلات به‌صورت مسئولانه به مقابله بپردازند؛ لذا تقریباً تمام بانک‌ها سازوکار عمل به رسالت مسئولیت‌پذیری اجتماعی را با این اعتقاد در خود ایجاد کرده‌اند که هزینه عمل به مسئولیت‌پذیری اجتماعی هزینه سربار نیست، بلکه هزینه پاک‌سازی جامعه است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها را نشان داده است. در فرضیه اصلی اول، فرضیه فرعی سوم که نشان از وجود تأثیر مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش‌افزوده نقدی بانک‌ها است؛ تأیید شد. نتایج این پژوهش با مطالعات رمضان و همکاران (۲۰۲۱)، ویدی و همکاران (۲۰۲۱)، بنی خالد و همکاران (۲۰۲۱)، حسین زاده و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. این نتایج نشان‌دهنده آن است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها به‌طورکلی تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ که نشان می‌دهد فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ایجاد درک مثبتی در ذهن مشتریان بالقوه به جذب آن‌ها کمک می‌کند و درنهایت منجر به افزایش عملکرد مالی بانک‌ها می‌شود یعنی بانک‌هایی که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری انجام می‌دهند عملکرد مالی بهتری دارند. ازاین‌رو مدیران بانک‌ها می‌توانند با عمل به ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب بهبود عملکرد مالی بانک‌ها شوند. در صنعت بانکداری، بانک‌ها

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

و مؤسسات اعتباری که به مشارکت در مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایبند هستند خود را ملزم به رعایت ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌کنند، در بلندمدت عملکرد مالی بهتری بروز می‌دهند. در راستای همسوسازی اهداف بانک با منافع جامعه، بانک‌ها ممکن است متحمل هزینه‌هایی شوند، اما اگر منافع حاصل از آن بیشتر از هزینه‌های آن شود، عملکرد مالی، بهره‌وری و کارایی بانک بهبود می‌یابد.

همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی دوم، نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ثبات مالی بانک‌ها اثر معنادار ندارد؛ به عبارتی، کاهش یا افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی برافزایش یا کاهش ثبات مالی بانک‌ها تأثیر ندارد. نتایج این پژوهش با مطالعات رمضان و همکاران (۲۰۲۱) همسو نمی‌باشد؛ که نتایج پژوهش آن‌ها بیان‌کننده آن است، بانک‌هایی که بیشتر در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی هزینه می‌کنند با مشتریان خود ارتباط قوی برقرار می‌کنند که به کاهش ریسک مالی آن‌ها کمک می‌کند و ثبات مالی آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما مطالعات ویدی و همکاران (۲۰۲۱) همسو با نتایج این پژوهش است؛ که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هیچ تأثیر قابل‌توجهی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ثبات مالی در بخش بانکداری در اندونزی وجود ندارد. از طرفی، نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش نشان می‌دهد، اثر مشهود بودن دارایی‌ها، بر ثبات مالی بانک‌ها منفی و معنادار است و حاکی از آن است که افزایش نسبت دارایی غیر جاری به‌کل دارایی‌های بانک منجر به کاهش ثبات مالی بانک‌ها خواهد شد. ازاین‌رو، با توجه به ماهیت مالی و نوع فعالیت بانک‌ها هر چه میزان نسبت دارایی جاری بیشتر باشد، با توجه به این‌که بانک‌ها می‌توانند در شرایط مختلف عکس‌العمل مالی سریع‌تری نشان دهند، می‌تواند موجب بهبود ثبات مالی بانک شود.

همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی سوم، نشان داده است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ظرفیت مالی بانک‌ها اثر معنادار نداشته است؛ به عبارتی، تغییر در مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب تغییر در ظرفیت مالی بانک‌ها نمی‌شود. نتایج این پژوهش با مطالعات رمضان و همکاران (۲۰۲۱)، ویدی و همکاران (۲۰۲۱) همسو نمی‌باشد؛ که نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهنده آن است، رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ظرفیت مالی بانک‌ها وجود دارد و حاکی از آن است که افزایش سرمایه‌گذاری بانک‌ها در طرح‌های مسئولیت اجتماعی، موجب رشد ظرفیت مالی ازنظر تعداد شعب و دستگاه‌های خودپرداز می‌شود. از طرفی نتایج آزمون فرضیه اصلی سوم پژوهش نشان داد، عمر بانک دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ظرفیت مالی بانک‌ها است. ازاین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت بانک‌هایی که سال‌های بیشتری فعالیت کرده‌اند، ظرفیت زیرساختی بالاتری برای ارائه خدمات به مشتریان خود دارند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

۱۰- پیشنهادهای پژوهش

بنا بر نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، پیشنهادها به شرح زیر است:

۱) با توجه به نتایج فرضیه اصلی اول مشخص شد که مسئولیت‌پذیری بانک‌ها اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی آن‌ها دارد. ازاین‌رو به مدیران بانک‌ها توصیه می‌شود با عمل به ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک موجب بهبود عملکرد مالی بانک شوند. بهبود عملکرد مالی بانک‌ها موجب افزایش هر سهم در بانک می‌شود که در این مورد خود یکی از ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد که موجب افزایش ثروت سهامداران می‌گردد. از طرفی بانک‌ها می‌توانند با افزایش حقوق و مزایای کارکنان خود، افزایش سلامت و ایمنی محل کار و همچنین افزایش کیفیت زندگی کاری کارکنان خود موجب بهبود عملکرد مالی بانک شوند. از سوی دیگر سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری در صنعت بانکی کشور رادارند توصیه می‌شود قبل از سرمایه‌گذاری در بانک موردنظر، میزان مشارکت آن را در فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی موردبررسی قرار دهند.

۲) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم، مشخص شد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ثبات مالی بانک اثر ندارد. ازاین‌رو به مدیران توصیه می‌شود برای ایجاد ثبات مالی در بانک بر مسئولیت اجتماعی متوسل نشوند و هزینه‌ای برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهت بهبود ثبات مالی در بانک انجام ندهند بلکه باید شرایط سیاسی کشور را رصد کنند.

۳) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه سوم، مشخص شد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ظرفیت مالی بانک اثر معنادار ندارد. ازاین‌رو به مدیران توصیه می‌شود برای افزایش ظرفیت مالی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده نکنند و توصیه می‌شود تمرکز خود را بر ارائه خدمات نوین بانکداری قرار دهند.

۱۱- منابع

اسدی اسدآباد، احمد؛ و چیدم چتاک اوغلی. (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه در گردش بر سودآوری بانک صادرات ایران، **سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار** ۲۷ مرداد ۱۳۹۷ کرج.

اکبریان، صابر؛ علی‌اصغر انواری رستمی؛ نادر رضایی و رسول عبدی. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های عملکرد اجتماعی بر ریسک اعتباری در صنعت بانکداری، **فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری** ۱۰(۴۰): ۷۴۵-۷۲۹.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

امین، وحید؛ و سید حسن صالح نژاد. (۱۳۹۹). تأثیر عملکرد پایداری شرکتی بر ارزش‌افزوده اقتصادی در طی چرخه عمر شرکت، **مجله علمی دانش حسابداری مالی** ۷(۲): ۳۰-۱.

بهارمقدم، مهدی؛ زین‌العابدین صادقی و ساره صفر زاده. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، **فصلنامه حسابداری مالی** ۵(۲۰): ۱۰۷-۹۰.

جهانخانی، علی؛ و اصغر سجادی. (۱۳۷۴). کاربرد مفهوم ارزش‌افزوده اقتصادی در تصمیمات مالی، **فصلنامه تحقیقات مالی ۲**(۵،۶): ۲۴-۱.

حسین زاده، عبدالله؛ محمدعلی ساری و مریم ناروئی. (۱۳۹۹). تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت اطلاعات بر بهبود عملکرد مالی بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. **سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد، حسابداری**، ۲۳ مردادماه ۱۳۹۹ (ص ص ۱۵-۱).

ذوالفقاری، مهدی؛ سید علی واعظ و محمد خدامرادی. (۱۴۰۰). ارائه الگوی تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی، **فصلنامه اقتصاد مالی** ۱۵(۵۵): ۲۱۵-۱۹۱.

صادقی عمرو آبادی، بهروز؛ و زهرا عمادی. (۱۳۹۸). اثر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، **فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی** ۵(۱۳): ۱۰۸-۸۵.

عباسی، عباس؛ زندی لک، مسعود؛ و مجتبی خلیفه. (۱۳۹۴). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت در اعتماد به برند و ترجیح برند با نقش میانجی کیفیت ادراک شده و ارزش برند. **چشم‌انداز مدیریت بازرگانی**، ۱۴(۲۴): ۳۱-۴۴.

فراهانی، طیبه؛ و مجید صبوری. (۱۳۹۹). تأثیر کفایت سرمایه، ساختار سرمایه و نقدینگی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، **فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی**، (۳۱): ۲۶۲-۲۴۷.

قادری، صلاح‌الدین؛ زهرا لشگری؛ یداله تاری وردی و امیررضا کیقبادی. (۱۳۹۹). مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن بر عملکرد حسابداری و اقتصادی شرکت، **فصلنامه علمی- مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۱۶(۶۵): ۱۷۳-۱۳۹.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

کارگر پور، خاطره؛ ولی خدادادی؛ علیرضا جرجرزاده؛ الـه کـرم صـالحی و احمـد کعـب عمیـر. (۱۳۹۹). بررسی اثر قراردادهای انگیزشی بر رابطه گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ریسک خاص شرکت و هزینه سرمایه شرکت‌ها، **فصلنامه حسابداری مالی** ۱۲(۴۶): ۱۲۶-۱۰۰.

مهدوی، غلام‌حسین؛ و سید مهدی حسینی ازان آخاری. (۱۳۸۷). بهترین معیار ارزیابی عملکرد چیست؟، **پژوهشنامه اقتصادی** ۸(۳۱): ۱۴۶-۱۲۱.

نمازی، محمد؛ و زهرا جعفری. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی هزینه نمایندگی بر رابطـه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته‌شـده در بـورس اوراق بهادار تهران، **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۹(۳۴): ۱۹۹-۱۶۹.

هاشمی، سید محمدحسن؛ ایمان داداشی؛ حمیدرضا غلام نیا روشن و محمود یحیـی زاده فـرد. (۱۴۰۰). کاربرد روش‌های یادگیری ماشین جهت پیش‌بینی ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۱۱(۴): ۹۷-۷۱.

Ahmadyan, A., & R. Khansari. (2018). Application of Economic Value Added in the Banking Sector of Iran. **Journal of Money and Economy** 13(3): 291-318.

Akisik, O., & G. Gal. (2011). Sustainability in businesses, corporate philanthropy, and accounting standards: an empirical study. **International Journal Account Inf Manag** 19 (3): 304–324.

Bani-khaled, S.M., A.R. Eldalabeeh & N.H. Alolimat. (2021). Relationship between Corporate Social Responsibility Expenditures and Performance in Jordanian Commercial Banks. **Journal of Asian Finance, Economics and Business** 8(3): 539-549.

Bassen, A., S. Prigge & C. Zollner. (2009). Behind broad corporate governance aggregates: a first look at single provisions of the German Corporate Governance Code. **Corp. Ownersh. Control** 6(3): 388–406.

Bayrakdaroglu, A., & N. Yalcin. (2012).Strategic Financial Performance Evaluation of the Turkish Companies Traded on Ise. **Ege Academic Review** 12 (4): 529-539.

Beck, T., A. Demirguc-Kunt & R. Levine. (2007). Finance, inequality and the poor. **Journal Economics Growth** 12 (1): 27–49.

Benlemlih, M. (2019). Corporate social responsibility and dividend policy. **International Journal Bus. Financ** 47: 114–138.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

Bentley, K.A., T.C. Omer & Y.S. Nathan. (2013). Business Strategy, Financial Reporting Irregularities, and Audit Effort. **Contemporary Accounting Research** 30(2): 780-817.

Borisov, A., E. Goldman & N. Gupta. (2016). The corporate value of (corrupt) lobbying. **Revolve of Financ Studirs** 29: 1039–1071.

Carroll, A.B. (1979). A three-dimensional conceptual model of corporate performance. **Academy of Management** 4(4): 497–505.

Chollet, P., & B.W. Sandwidi. (2018). CSR engagement and financial risk: a virtuous circle? International evidence. **Glob Financ Journal** 38: 65–81.

Cihak, M., & H. Hesse. (2008). Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis. **IMF Working** 8(16): 1-31.

Cutcher, L. (2014). Bringing back the bank: Local renewal and agency through community banking. **Organization Studies** 35(1): 103–119.

Dimson, E., S.O. Karaka & X. Li. (2015). Active ownership. **Revolve of Financ Studirs** 28: 3225–3268.

Diniz, E., R. Birochi & M. Pozzebon. (2012). Triggers and barriers to financial inclusion: The use of ICT-based branchless banking in an Amazon county. **Electronic Commerce Research and Applications** 11(5): 484–494.

Draper, D.W., & J.W. Hoag. (1978). Financial intermediation and the theory of agency. **Journal Financ** 13: 595–611.

Freeman, R.E. (1984). Strategic Management: a Stakeholder Approach. Pitman, Boston.

Friedman, M. (1970). The social responsibility of business is to increase its profits. **New York Times. September** 13, 1970.

Hammann, E.M., A. Habisch & H. Pechlaner. (2009). Values that create value: socially responsible business practices in SMEs–empirical evidence from German companies. **Business Ethics a European Review** 18(1): 37–51.

Han, R., & M. Melecky. (2013). **Financial Inclusion for Financial Stability: Access to Bank Deposits and the Growth of Deposits in the Global Financial Crisis**. The World Bank.

Hassan, M.K., A. Khan & A. Paltrinieri. (2019). Liquidity risk, credit risk and stability in Islamic and conventional banks. **International Journal Financ** 48: 17–31.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

Jiraporn, P., N. Jiraporn, A. Boeprasert & K. Chang. (2014). Does corporate social responsibility (CSR) improve credit ratings? Evidence from geographic identification. **Financ Management** 43(3):505–531.

Kim, D.W., J.S. Yu & M.K. Hassan. (2018). Financial inclusion and economic growth in OIC countries. **International**. **Business Financ** 43: 1–14.

Kuldeep, S., M. Madhvendra & Y. Jitendra. (2021). Corporate social responsibility and financial inclusion: Evaluating the moderating effect of income. **Management Decision Economics** 1-12.

Kumar, V., S. Thrikawala & S. Acharya. (2021). Financial inclusion and bank profitability: Evidence from a developed market. **Global Finance Journal** 1-12.

Lanis, R., & G. Richardson. (2015). Is Corporate Social Responsibility Performance Associated with Tax Avoidance? **Journal of Business Ethics** 127 (2): 439-457.

Lu, C.W., T.K. Chen & H. Liao. (2010). Information uncertainty, information asymmetry and corporate bond yield spreads. **Journal of Banking and Finance** 34(9): 2265-2279.

Margolis, J.D., H.A. Elfenbein & J.P. Walsh. (2009). **Does It Pay to Be Good and Does It Matter?** A Meta-analysis of the Relationship between Corporate Social and Financial Performance. And does it matter.

Ness, M.R. (1992). Corporate philanthropy. **British Food Journal** 94 (7): 38–44.

Paltrinieri, A., A. Dreassi, M. Migliavacca & S. Pisera. (2020). Islamic finance development and banking ESG scores: evidence from a cross-country analysis. **International**. **Business Financ** 51:101100.

Platonova, E., M. Asutay, R. Dixon & S. Mohammad. (2018). The impact of corporate social responsibility disclosure on financial performance: Evidence from the GCC Islamic banking sector**. Journal of Business Ethics** 151(2): 451–471.

Preston, L.E., & D.P. O'Bannon. (1997). The corporate social-financial performance relationship: A typology and analysis. **Business Society** 36: 419–429.

Raddatz, C. (2006). Liquidity needs and vulnerability to financial underdevelopment. **Journal Financ Economics forthcoming.**

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]

Remzan, M., M. Amin & M. Abbas. (2021). How does corporate social responsibility affect financial performance, financial stability, and financial inclusion in the banking sector? Eviddence from Pakistan. **International Business and finance** 55:1-9.

Samy, M., G. Odemilin & R. Bampton. (2008). Corporate social responsibility: a strategy for sustainable business success. An analysis of 20 selected British companies, **Journal of Corporate Governance** 10(2): 203-217.

Sharma, E., & M. Mani. (2013). Corporate social responsibility: An analysis of Indian commercial banks. **AIMA Journal of Management & Research** 7(1/4): 81–89.

Ullah, A., C. Pinglu, S. Ullah & Q. Ningyu. (2021). Impact of intellectual capital efficiency on financial stability in banks: Insights from an emerging economy. **International Journal of Finance & Economics** 1-14.

Verwijmeren, P., & J. Derwall. (2010). Employee well-being, firm leverage, and bankruptcy risk. **Journal Bank. Financ** 34(5): 956–964.

Widi, A.R., D.M. Rizkiawati & F.M. Leon. (2021). Influence of Corporate Social Responsibility (CSR) on Financial Performance, Financial Inclusion, and Financial Stability Banking in Indonesia. **International Journal of Latest Research in Humanities and Social Science** 4(10): 80-88.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.51.6.5]